

مصاحبه با همای ادب فارسی در بنگلادش دکتر محمد کاظم کهدوئی استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد اعزامی به دانشگاه داکا

■ به کوشش: دکتر زهرا عالمی

شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود



در میان سفیران فرهنگی ایران زمین در کشورهای همسایه و یا سایر کشورهایی که زبان فارسی در آنها جایگاه و یا موقعیتی شناخته شده دارد، جناب استاد دکتر محمد کاظم کهدوئی نام و آوازه ای بس بلند به خود اختصاص داده است. شرح حال این فرهیخته گرانقدر نشان می دهد، عرصه تکاپوهای علمی وی سرزمین های شرقی به ویژه شبه قاره هند بوده است. موفقیت های چشمگیر مشارالیه در نهادینه کردن زبان و ادب ایرانی در کشورهای محل ماموریت وی و رویکرد مردمی و تبحر استاد در ایجاد هم گرایی فرهنگی میان دو ملت موجب

شده است تا به بهانه صدمین سال تکاپوهای آکادمیک زبان فارسی در بنگلادش مصاحبه ای با وی درانداخته شود. اکنون افتخار داریم تا در این شماره که به صدسالگی زبان فارسی در دانشگاه داکا اختصاص یافته است، مشروح گفت وگویی صمیمی و علمی با استاد را چاپ و نشر نماییم. باشد بدین وسیله هم زحماتش را ارج نهیم و هم با گروه زبان فارسی و اتاق ایران شناسی در دانشگاه داکا به عنوان بزرگترین و پر مخاطبترین دانشگاهی که دانشجویان زبان فارسی دارد، آشنا شویم.

امروز به لطف خدای تبارک و تعالی، محضر استاد فرزانه جناب آقای دکتر محمد کاظم کهدوئی، استاد اعزامی به دانشگاه داکا گروه زبان و ادبیات فارسی رسیدیم تا خوشه چین معارف و علمش باشیم. جناب استاد، ممنونیم که دعوت مجله مطالعات ایرانی و اسلامی را پذیرفتید. خواهش می کنم برای آشنایی بیشتر مخاطبان، ابتدا خودتان را به گونه ای مبسوط معرفی نمایید.



اهدای لوح سپاس به کهدوئی، توسط پروفیسور عبدالصمد،
یکی از ورودی‌های دانشگاه داکا
معاون دانشگاه داکا

این بنده کمترین، محمد کاظم کهدوئی، دانش‌آموخته دوره کارشناسی، از دانشگاه تربیت معلم یزد، کارشناسی ارشد از دانشگاه تربیت مدرس تهران، و دکتری از دانشگاه تهران و هم‌اکنون استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد هستم.

در اسفند ۱۳۷۲ به‌عنوان اولین مدرس اعزامی، پس از انقلاب اسلامی ایران، از طریق وزارت علوم، به دانشگاه داکای بنگلادش، اعزام شدم و حدوداً دو سال و نیم یعنی تا بیستم تیر ۱۳۷۵ در آن کشور حضور داشتم.

از مرداد ۱۳۸۲ تا مرداد ۱۳۸۵ به‌عنوان رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در کابل (افغانستان) خدمت کردم که هم زمان در بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کابل نیز به تدریس متون نظم و نثر فارسی پرداختم.

از فروردین سال ۱۳۹۰ به‌عنوان استاد اعزامی، به دانشگاه مطالعات بین‌المللی شانگهای (چین) اعزام شدم که تا تیر ۱۳۹۲ ماموریت ادامه داشت.

بنا به درخواست‌های مکرر استادان و دانشجویان بنگالی، و همچنین مسئولان سیاسی و فرهنگی ایران در بنگلادش، و موافقت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران، بار دیگر از شهریور ۱۳۹۷، برای ۲ سال تدریس به گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا اعزام شدم.

سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹، نیز علاوه بر تدریس در دانشگاه، به عنوان رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه یزد، و ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲، به‌عنوان رئیس دانشگاه پیام نور منطقه ۴ کشور (استان‌های یزد، کرمان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان) مشغول به خدمت بودم.

استاد، این حضور فعال حضرت‌عالی نشان می‌دهد با فرهنگ کشورهای شرقی (کشورهای مقصد) هم آشنا هستید و حتماً درباره آنها با شما گفت و گو می‌کنم، اما از آنجایی که این شماره نشریه به دانشگاه داکا و زبان فارسی در بنگلادش اختصاص یافته است خواهش می‌کنم ابتدا گروه زبان فارسی دانشگاه داکا را معرفی فرمایید و ضمن آن از از خود دانشگاه داکا و زبان فارسی در بنگلادش برایمان بگویید.

گروه فارسی در سال ۱۹۲۱ میلادی / ۱۳۰۰ هجری قمری همراه با دانشگاه داکا افتتاح شد. مدتی



به همین صورت بوده بعد از آن با گروه زبان اردو، مشترک و یکی می شود، تا سال ۲۰۰۶ میلادی ۱۳۸۵ هجری شمسی که با تلاش های رئیس وقت گروه، جناب دکتر سیف الاسلام خان مجدداً می شود، و امروزه به صورت گروه مستقل زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه داکا فعالیت می کند. از نظر موقعیت و جایگاه گروه، باید گفت که گروه زبان و ادبیات فارسی، در دانشگاه داکا، از موقعیت نسبتاً خوبی برخوردار است و بخشی از طبقه ششم ساختمان دانشکده علوم انسانی (آرتس فکولتی) که توسط جمهوری اسلامی ایران ساخته شده است، به گروه ادبیات فارسی تعلق دارد و شامل کتابخانه، آزمایشگاه مجهز زبان، پنج اتاق برای استادان و یک کلاس با گنجایش حدود ۸۰ نفر می شود. علاوه بر این، دو اتاق برای دفتر گروه و دفتر کارکنان، اتاق ایران (در طبقه دوم) و سه اتاق برای استادان دیگر، و همچنین دو کلاس درس، در طبقات سوم و چهارم وجود دارد که همگی متعلق به گروه زبان و ادبیات فارسی است.

در کنار کلاس های درس و اتاق های علمی سالن هایی نیز به گروه اختصاص دارد و عمده برنامه های مراسم و بزرگداشت ها که از سوی گروه زبان و ادبیات فارسی برگزار می شود، در سالن «آر سی مجومدار»، و همچنین سالن اجتماعات مؤسسه زبان های نوین برگزار می شود. در مؤسسه زبان های نوین، وابسته به دانشگاه داکا نیز علاوه بر زبان های: چینی، ژاپنی، فرانسوی، بالی، نیپالی، و غیره گروه فارسی نیز دایر است و دو تن از همکاران: پروفیسور، سرکار خانم شمیم بانو (خواهر خانم دکتر کثوم ابوالبشر)، و آقای دکتر محمد کمال حسین، به تدریس و آموزش زبان فارسی مشغول اند.

گفتنی است که یکی از فارسی آموزان مؤسسه زبان های نوین در سال های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ که با اینجانب نیز کلاس داشتند، آقای دکتر محمد اختر الزمان بود که چند سال است رئیس دانشگاه داکا شده اند.



تعدادی از دانشجویان فارسی دانشگاه چیتاگنگ



دانشجویان در کلاس درس مثنوی مولوی، داکا

گروه زبان و ادبیات فارسی چند نفر عضو هیئت علمی دارد و ساختار آن را لطفاً برایمان توضیح دهید:

در حال حاضر این گروه، ۱۰ نفر استاد و دانشیار و استادیار دارد که همگی به امر تدریس مشغول اند. آقایان دکتر ک.ام. سیف الاسلام خان، محسن الدین میا، عبدالصبور خان، طارق ضیاء الرحمان



سراجی، محمد ابوالکلام سرکار، و محمد بهاء‌الدین، به عنوان استاد تمام (پروفسور) و آقایان دکتر محمد ابوموسی عارف بالله، ممیت الرشید، و احسن الهادی، به عنوان دانشیار، و آقای مهدی حسن، به عنوان استادیار در این گروه مشغول‌اند. برخی از آنها در ایران تحصیل کرده و دکترای خود را از دانشگاه‌های ایران اخذ کرده‌اند. برای نمونه آقایان سیف الاسلام خان دکترای خود را از دانشگاه تهران، محسن الدین میا از دانشگاه فردوسی مشهد، و ممیت الرشید از دانشگاه تربیت مدرس دریافت کرده‌اند.

سرکار خانم پروفسور کلثوم ابوالبشر نیز با بیش از چهل سال فعالیت، استاد بازنشسته گروه فارسی است. ایشان نیز در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی، حدود یک سال در دانشگاه فردوسی مشهد زبان و ادبیات فارسی می‌آموختند.



برگزاری مراسم شب یلدا در دانشگاه راجشاهی

دانشجویان فارسی، هنگام امتحان

گروه زبان فارسی چند نفر دانشجو دارد؟ آیا سایر دانشگاه‌های بنگلادش هم گروه زبان فارسی دارند؟

کل تحصیل کرده‌های زبان فارسی در دانشگاه داکا، تا سال ۱۹۹۰ حدود ۲۰ نفر بودند که خانم دکتر عابده حافظ، در سال ۱۹۵۹ از رساله دکتری خود دفاع کرد. (ایشان چند سال پیش دار فانی را وداع کردند) از ۱۹۹۱ م. به بعد مجموعاً سه نفر ثبت نام می‌کنند، که الان هر سه نفر استاد تمام (پروفسور) هستند.

تا سال ۱۹۹۵ جماعت دانشجو به بیش از ۸۰ نفر رسید، و امروزه حدود ۵۰۰ نفر در دانشگاه داکا در دوره‌های لیسانس، فوق لیسانس، ام‌فیل (پیش‌دکتر)، و دکترای تحصیل می‌کنند.

البته در سایر دانشگاه‌های بنگلادش هم زبان فارسی وجود دارد. علاقه مردم به زبان فارسی در این کشور بسیار است. مثلاً گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی که در شمال بنگلادش وجود دارد، حدود ۲۰۰ نفر دانشجو تحصیل می‌کنند و ۱۰ نفر استاد هم مشغول به کار هستند.

علاوه بر این، در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه چیتاگونگ که در جنوب بنگلادش و در



کنار خلیج بنگال قرار دارد، نیز نزدیک به ۲۰۰ نفر دانشجوی در زبان فارسی مشغول به تحصیل هستند. این دانشگاه پنج استاد و استادیار در گروه فارسی دارد که همگی مشغول به کار آموزش در آن دانشگاه هستند.



جمعی از دانشجویان در مراسمی به مناسبت نوروز، دانشگاه داکا

علاقه‌مندی به تحصیل در این رشته را چگونه می‌بینید؟ روبه افزایش است یا کاهش و لطفاً دلیل آنرا هم بفرمایید.

علاقه‌مندی به زبان و ادبیات فارسی، در بنگلادش، خوب و تقریباً رو به گسترش است، به گونه‌ای که اگر در سال ۱۳۷۲ هجری شمسی، کمتر از ۱۰ نفر دانشجوی در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی تحصیل می‌کردند، امروزه در سه دانشگاه کشور بنگلادش، به حدود ۱۰۰۰ نفر، و تعداد استادان نیز از سه نفر به حدود ۳۰ نفر افزایش یافته است، و معمولاً کلاس‌ها بیش از حد معمول دانشجوی دارد و برای هر سال ورودی، بین ۸۰ نفر تا ۱۰۰ نفر برای دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد ثبت نام می‌کنند.

بدون شک این کثرت دانشجوی، می‌تواند خللی نیز در آموزش ایجاد کند و تا اندازه‌ای از کیفیت کار بکاهد، که البته این آسیب در غالب رشته‌های دانشگاهی وجود دارد.



تعدادی از دانشجویان فارسی دانشگاه راجشاهی



جشن ۹۸ سالگی تاسیس گروه فارسی در دانشگاه داکا



دانشجویان بیشتر به کدام صنعت ادبی زبان فارسی علاقه دارند؟

با توجه به اینکه در این زمینه چندان مهارت ندارند، پاسخ کمی دشوار است، با توجه به آنچه خود شاهد بودم، نسبت به جناس و ایهام توجه بیشتری نشان می‌دهند و مقبولیت و پذیرایی بیشتری نزد آنها دارد.



لطفاً بفرمایید علاقه کلی دانشجویان این رشته بیشتر به شعر و نظم است یا نثر و چرا؟
در مجموع، با توجه به اینکه بخش اعظمی از فرهیختگان آن کشور، با شاعران بزرگ ایران، از جمله فردوسی، خیام، مولوی، سعدی، حافظ و... آشنایی دارند و اشعار آنان را نیز گاهی در خاطر سپرده‌اند، توجه دانشجویان نیز به مقوله نظم بیشتر از نثر است.

به عنوان مثال، در سال ۱۳۷۲ خورشیدی که تازه برای تدریس به بنگلادش رفته بودم، وقتی از منطقه گلشن ۲، در مینی‌بوس استادان دانشگاه (چون کوچک بود، مایکروباس می‌گفتند) عازم دانشگاه داکا بودم، یکی از استادان پرسید که شما از کدام کشورید؟ گفتم ایران!

با خوشحالی دستش را به جانب من دراز کرد و دست داد و گفت: ایران کانتیری! فردوسی رحمة الله علیه، خیام رحمة الله علیه، حافظ رحمة الله علیه، رحمة الله علیه، سعدی رحمة الله علیه. جالب آنکه ایشان اصلاً رشته علوم انسانی هم نبود.

آیا استادان گروه زبان فارسی و همچنین دانشجویان، با کرسی‌های ایران شناسی آشنایی دارند؟
در کشور بنگلادش کرسی ایران شناسی وجود ندارد. در دانشگاه‌های داکا و راجشاهی، اتاق ایران افتتاح شده با تعدادی کتاب و میز و صندلی، اما اصل کار در گروه‌های زبان و ادبیات فارسی است و با تعداد زیادی دانشجو که در این گروه‌ها به تحصیل مشغول‌اند، شاید نیازی هم به ایران شناسی نباشد. چون در درس‌ها و کتاب‌ها در خصوص ایران و شناخت آن مطالب آمده است. البته شاید که نیاز چندانی به کرسی ایران شناسی احساس نشود اما ایجاد آن هم مغایرتی ندارد. حتی می‌توان در رایزنی فرهنگی، کلاس‌هایی در این زمینه دایر کرد تا علاقه‌مندان برای آموزش به آنجا بروند، مشروط به اینکه کسی برای تدریس باشد، یعنی یا از وجود استاد اعزامی استفاده شود، و یا رایزن فرهنگی توانمندی این کار را داشته باشد.



این نکته گفتنی است در بعضی کشورها، که گروه زبان و ادبیات فارسی دایر نیست، گروه ایران‌شناسی مناسب است؛ اما در کشوری که در سه دانشگاه گروه زبان و ادبیات فارسی دایر است، با توجه به کمبود استاد، به ویژه استاد اعزامی، کرسی ایران‌شناسی ضروری نمی‌نماید.

به نظر شما زبان و ادبیات فارسی بر زبان بنگالی تأثیری داشته است؟ اساساً می‌توان ارتباطی میان این دو زبان پیدا کرد؟

در این زمینه سخن فراوان است و گفته‌های بنده نیز شاید اضافی باشد، اما به طور خلاصه عرض می‌کنم که حضور قریب به هفت قرن زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند، باعث شده تا بخش زیادی از واژگان و اسامی فارسی و اسلامی در زبان و ادبیات بنگالا وجود داشته باشد که اهل فن و ادب، حدود ۸۰۰۰ واژه و اسامی را در زبان بنگالا دخیل دانسته‌اند. اگر بخواهیم قطره‌ای از دریا را نشان دهیم به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم. پاکیزه، خیابان، گلشن، گلستان، شاه، شاهزاده، فیلخانه، غلام، سرور و

بعضی واژگان دیوانی، مانند: اقرار، عدالت، عادل، قانون، دلیل، مالک، مالکانه، امین، پروانه، حاکم، حکم، فرمان، باطل، حق، وکیل، وکالت، دستور، دیوانی، معاف، نقل، سفارش و ...، بعضی کلمات عام مربوط به انسان، مانند: بازو، کمر، چهره، قلب، صورت، سینه، گردن، چادر، پرده، شلوار، پیراهن، عمامه، و ... بعضی واژگان مربوط به خوراکی‌ها، مانند: قورمه، بریانی، پنیر، چای، حلوا، کباب، قیمه، سبزی، انار، آناناس، سیب، سبزی، انگور، پسته، بادام، کشمش، پیاز.

واژگان اسلامی مانند: آخرت، اسلام، اعتکاف، قبر، قبرستان، قبله، افطار، امام، امامت، بندگی، جمعه، جماعت، مناجات، بدعت، جهنم، حج، حجاب، حشر، حدیث، حلال، حرام، خطیب، جنازه، فتوی، قربان، نماز، دین، دیندار، روزه، اذان، مسجد، ایمان، قربانی، عید، عذاب، عبادتخانه، دوزخ، قیامت، عرش، عارف، کافر، موت، محراب، منار، منبر، مغفرت، پرهیزگار، رمضان، عصر، مرشد، مرید، مسلم، مسلمان، روحانی، ثواب، دعا، و ... و مقدار زیادی کلمات و اسامی؛ چون: کتابخانه، مدرسه، علم، معلم، شاگرد، بابا، دوست، یار، دشمن، بلبل، طوطی، باغ، باغچه، یتیم‌خانه، گلستان، مسافرخانه، ویران، آسمان، و غیره. و موارد فراوانی که بیش از این در اینجا نمی‌توان به آن پرداخت (در ذکر این اسامی، از دست‌نوشته پروفیسور محمد ابوالکلام سرکار بهره برده‌ام).

اسامی ایرانی، و به ویژه شاهنامه‌ای نیز در آن سرزمین کم نیستند. تهمینه، رستم، سهراب، شیرین، اختر، رعنا، نسرین، کنیز، کنیز بتول، کنیز فاطمه، یاسمن، نرگس، زینت آرا، و موارد بسیار زیاد دیگر. در خصوص اسامی اسلامی، که تقریباً قریب به اتفاق اسامی مردان و زنان، از اسامی اسلامی استفاده می‌شود: محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، مهدی، هادی، جعفر، رضا، زینب، زینت، راحله و ... که از بسامد بالایی برخوردار است.

البته در کاربرد بعضی کلمات، و واژگان، گاهی اعراب‌ها جابه‌جا می‌شود، مثلاً گردن را گردن و کمر را کمر می‌گویند و





در حال حاضر، وضعیت گروه فارسی در دانشگاه داکا چگونه است؟ گفتید زبان فارسی در این سال‌ها کمی با مشکل برای پذیرش دانشجو مواجه است و فرایند پذیرش دانشجو کاهش یافته است. به نظر شما علت کاهش ظرفیت دانشجو و روی آوردن به زبان‌های دیگر همچون اردو، هندی و عربی چیست؟ به نظر شما، ادامه این شیوه، زنگ خطری برای علاقه‌مندان به فرهنگ و زبان فارسی در بنگلادش است؟ چاره کار برای رونق بخشی به زبان فارسی در چیست؟

در اینجا از دو وجه باید سخن گفت: یکی اینکه جمعیت و آمار دانشجویان، که خوشبختانه در این سال‌ها پیوسته اضافه شده و نیازی به جمعیت بیشتر از این هم نیست، به سبب اینکه عدم جذب آنان به بازار کار، نوعی دلزدگی پیش خواهد آورد؛ بنابراین اگر جمعیت دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، کمتر از این هم بشود، ولی کیفیت بالاتر برود، خیلی بهتر است، کما اینکه در کلاس‌های ۱۰۰ نفره، نمی‌توان توقع کارایی و کیفیت بالا داشت.

اما در خصوص حضور زبان‌های دیگر، اصلاً مشکلی نیست، هرکسی کار خود را می‌کند. گروهی اردو می‌آموزند و گروهی عربی، هندی و غیره که البته رشد زبان عربی بیش از دیگر زبان‌هاست علت آن هم حضور جمع میلیونی بنگالی‌ها در عربستان و دیگر کشورهای عربی است که وارد بازار کار و تجارت آنجا شده‌اند و هر هفته پروازهای متعدد به عربستان وجود دارد که کارکنان و کارگران و تاجران و بازرگانان را جابه‌جا می‌کند و این باعث علاقه بیشتر به فراگیری زبان عربی می‌شود تا شاید بتوانند در آنجا بازار کار به دست آورند درحالی‌که هنوز پروازی از ایران به بنگلادش وجود ندارد.

وقتی هواپیمای عربستانی در فرودگاه داکا به زمین می‌نشیند، بسیاری از مسافران را می‌بینید که زنان با چادر عربی و پوشیه، و مردان با لباس کاملاً عربی با شال و چفیه و دشداشه وارد می‌شوند و همگان بنگالی هستند که ملیس به لباس آن سرزمین شده‌اند. بعضی از آن‌ها کاملاً عربی صحبت می‌کنند. در بسیاری از فروشگاه‌ها در شهر داکا هم که مراجعه می‌کنید، به گمان اینکه تو عرب هستی، می‌بینی که به راحتی عربی حرف می‌زنند و اظهار می‌دارند که مثلاً من ده سال عربستان بودم، پنج سال دبی بودم، فلان قدر در قطر بودم و غیره.

اخیراً هم ازسوی سفارت‌های عربستان و امارات، کمک‌های شایان توجهی به بخش‌های زبان عربی و مطالعات اسلامی و تاریخ اسلام می‌شود.

حضور سلفی‌ها، به‌ویژه در بعضی شهرستان‌ها چشمگیر است که مدارس سلفی نیز ایجاد شده و حتی تعدادی از دانشجویان و استادان فارسی نیز سلفی هستند.

برای جلوگیری از افول ظرفیت زبان فارسی در بنگلادش چه راهکاری را پیشنهاد می‌کنید؟

در خصوص این سوال، به طور کامل نمی‌توان پاسخ داد؛ زیرا که در حد فرد یا افراد نیست، بلکه بستگی به سیاست‌گذاری کشور و بویژه سیاست خارجی کشور، و همچنین توجه مسئولان، به زبان و ادبیات





فارسی در آن کشور است.

گشایش هرچه بیشتر زمینه‌های تجاری، راه‌اندازی خطوط هوایی، و تورهای گردشگری، به کارگیری نیروی کار بنگالی در کشور، که به سبب دوری راه بسیاری از پیامدهای منفی نیز به دنبال نخواهد داشت.

اعزام استادان مجرب و علاقه‌مند، به شهرها و دانشگاه‌هایی که در آنجا گروه زبان و ادبیات فارسی دایر است هم می‌تواند در رونق زبان فارسی مفید باشد.

امضای تفاهم‌نامه‌ها و توافق‌نامه‌ها در زمینه‌های مختلف برای همکاری‌های علمی، ادبی، فرهنگی، بهداشتی، صنعتی، ساختمانی و غیره که در تمامی این زمینه‌ها لازم است به وجود آید، و می‌توان از این طریق پاسخگوی بسیاری از نیازهای مردمان آن سرزمین بود.

علاقه مردم بنگلادش، به فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی، و برنامه‌های مخصوص کودک و نوجوان، بسیار زیاد است و بارها و بارها تقاضای خرید فیلم ایرانی کرده‌اند، اما همچنان بی پاسخ مانده است، البته این برای اینجانب نیز بدون پاسخ مانده؛ زیرا رئیس یکی از شبکه‌های تلویزیونی کودک و نوجوان، که بسیار هم علاقه‌مند بود، گله می‌کرد که چرا جمهوری اسلامی ایران در این زمینه با ما همکاری نمی‌کند؟ اگرچه اخیراً بعضی فیلم‌های مشترک از سوی کارگردانان ایرانی و بنگالی ساخته شده و یا در دست ساخت است. استفاده مردم بنگلادش از خدمات پیشرفته پزشکی ایران، و درمان مردمان آن سرزمین که غالباً به کشورهای هند و اروپا سفر می‌کنند، می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

پزشکانی که پیش از انقلاب در ایران بودند، هنوز هم علاقه مند به ایران و ایرانی هستند و فارسی را از یاد نبرده‌اند. آن که در تبریز بوده، با لهجه شیرین ترکی، به فارسی حرف می‌زند، و آن که در کرمان بوده با لهجه کرمانی و... از همکاری‌های این گروه از افراد نیز می‌توان به خوبی بهره برد. بسیاری از این پزشکان گرانقدر، همچنان با ایرانیان و نهادهای ایرانی در بنگلادش همکاری دارند و خدمات خود را غالباً هم به صورت رایگان عرضه می‌دارند.

اگرچه فاصله تهران تا داکا کمی طولانی است، اما از چین و مالزی و... بسیار کمتر است و ایجاد خطوط هوایی و کشتیرانی، کار تجارت، بویژه در زمینه‌های درمان و صنعت و صادرات و واردات و... را آسان می‌کند.

روزانه هزاران نفر مردم بنگلادش، از مرزهای هوایی، زمینی و دریایی، برای درمان و تجارت به هندوستان می‌روند، که اگر خط هوایی بین داکا و تهران دایر شود، بسیاری از مقاصد درمانی بیماران، تهران خواهد بود.

تمامی این موارد باعث ایجاد شور و علاقه بیشتر برای آموزش زبان و ادبیات فارسی خواهد بود و بازار کار نیز برای آنان ایجاد خواهد شد.

البته چنانکه گفتم، نیازمند تفاهم‌نامه‌ها و همکاری‌های دوجانبه در سطوح بالا، و برنامه‌ریزی‌های دقیق و بلندمدت، از سوی همه مسئولان سیاسی دو کشور خواهد بود.



قطعاً توصیه شما عالی است و می‌تواند در گشایش مشکلات مؤثر باشد و یا بر سیاست‌گذاری‌های خارجی هم تاثیر بگذارد. درهرحال به عنوان یک استاد موفق در بنگلادش شناخته شد هستید. برای شما آرزوی سلامتی و توفیق داریم. اگر مزید بر این مباحث مطلبی پایانی و تکمیلی دارید بفرمایید.

اینجانب با تجربه بیش از چهار سال خدمت در کشور بنگلادش و دانشگاه‌های آن کشور و حضور در محافل مختلف علمی و فرهنگی و ادبی و دینی، یقین دارد که این کار امکان‌پذیر است و در راستای تقویت زبان و ادبیات فارسی نیز خواهد بود؛ البته اگر دست‌های پنهان و پیدا کارشکنی و سنگ‌اندازی نکنند. حضور سفیران و رایزنان فرهنگی و کارشناسان سیاسی و دلسوز و علاقه‌مند هم بسیار مؤثر خواهد بود و باعث تسریع در کارها و گسترش آنها خواهد شد.



کلاس درس دانشجویان



نشست اهدای بورسیه پروفیسور کلثوم ابوالبشر به دانشجویان برتر فارسی با حضور رئیس دانشگاه



مراسم خوش آمد گویی به دانشجویان تازه وارد به گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا. حافظ سرا.



سرویس های دانشجویان دانشگاه داکا